هومن برق نورد و امین زندگانی جلوی دوربین سریال مناسبتی محرم ۱۴۰۳

سریال «طوبی» به کارگردانی سعید سلطانی، تهیه کنندگی سید حامد حسینی و نویسندگی سیدحسین امیرجهانی برای ماه محرم و صفر آماده پخش می‌شود.

سریال جدید «طوبی» که سعید سلطانی، کارگردان باسابقه تلویزیون در حال تصویربرداری است، مراحل پس تولید سریال همزمان در حال انجام است، تدوین توسط مهدی حسینی زند و ستار اورکی موسیقی سپری می‌شود.

روایت داستان پرکشش و جذاب سریال «طوبی» از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۲ می‌گذرد و مضون خانواده و پیاده‌روی اربعین پیوند خورده است.

بازیگران سریال، هومن برق نورد، امین زندگانی فرهاد آئیش، شبنم قربانی، فریبا متخصص، رامین راستاد، سودابه بیضایی، پرویز فلاحی پور، رحیم نوروزی و... هستند.

فیلمنامه سریال «طوبی» را سیدحسین امیرجهانی به نگارش درآورده است که سابقه نگارش سریال‌های پربیننده ای، چون «نجلا» را در کارنامه خود دارد.

علیرضا زرین دست فیلمبردار باسابقه و قدیمی سینمای ایران که بیشتر در سینما فعالیت دارد و پیش از این مدیریت فیلمبرداری بخش‌هایی از سریال «در چشم باد» را بر عهده داشته است این روزها مدیریت فیلمبرداری این سریال را برعهده دارد و با این سریال به تلویزیون بازگشته است.

مهلت ارسال آثار به جشنواره برنا تمدید شد

به‌دلیل همزمانی با ایام انتخابات ریاست جمهوری مهلت ارسال آثار به جشنواره تئاتر برنا تا اول مرداد ۱۴۰۳تمدید شد.

قرار بود این جشنواره از یکم تا چهارم تیر ۱۴۰۳ در شهرستان اندیمشک برگزار شود ولی برگزاری آن به شهریور ماه و پس از ماه‌های محرم و صفر موکول شد.

به گزارش ایسنا، اعلام نتایج جشنواره ۱۰ مرداد سال جاری صورت خواهد گرفت و در یک دوره زمانی ۴۰ روزه استادان مشاور برای راهبری و مشاوره با گروه‌های منتخب تا قبل از برگزاری جشنواره به شهرستان‌ها اعزام خواهند شد.

در این مدت همچنین قرار است سالن‌ها و پلاتوهای نمایش اندیمشک مرمت و تجهیز شود.

«کبریت» آماده نمایش و پخش شد

ترورهای منافقین دغدغه فیلمسازان

فیلم کوتاه «کبریت» به نویسندگی و کارگردانی حسین جمشیدی و تهیه کنندگی محمد گودرزی آماده نمایش شد.

به گزارش مهر ، فیلم کوتاه «کبریت» به نویسندگی و کارگردانی حسین جمشیدی و تهیه کنندگی محمد گودرزی با نگاهی خاص به موضوع ترورهای گروهک منافقین در سال‌های ابتدایی انقلاب ایران پرداخته است.

این فیلم کوتاه به دست جوانانی ساخته شده است که از دوران دانش آموزی دغدغه پرداختن به برهه‌های حساس تاریخی ایران را دارند.

حسین جمشیدی سابقه کارگردانی فیلم کوتاه «مارمالادی» با همین موضوع را دارد و اکنون در تدارک فیلم جدیدش با نام موقت «کاپیتان» تورس است.

مهدی محسنی که فیلمبرداری فیلم‌های کوتاه مارمالادی و کبریت را برعهده داشته است نیز به گروه تولید اثر جدید جمشیدی پیوسته است.

سایر عوامل این فیلم کوتاه عبارتند از مشاور کارگردان: محمد علیزاده، دستیار و برنامه ریز: امیرحسین میرزایی، طراح صحنه و لباس: رامین بدخشان فر، گریم: امیر بنده لو، صدابردار: وحید کیایی‌ها، طراحی و ترکیب صدا: سعید بابایی، تدوین: کمیل ارجمندی، اصلاح رنگ: محمد مرادی، طراح جلوه های ویژه میدانی: مجید حیدری، جلوه های ویژه بصری: محمد کشاورز، مدیر تولید: کیانوش عاشورزاده، جانشین تولید: محمد شالو، دستیار تولید: محمد خالقی، مدیر تدارکات: هادی فتح الهی، دستیار تدارکات: سهیل مظاهری، دستیار دوم کارگردان: سجاد اشراقی نیا، منشی صحنه: مریم محمدی دستیار صدا: رضا گرجی، فیلمبردار پشت صحنه: محمد حسین رمضانی، دستیار اول فیلمبردار: فرزاد جلیلیان، نورپرداز: عرفان قبادلو، دستیاران فیلمبردار: جواد اصلانی، محمد امین کارگر، هومن طهماسبی دستیاران جلوه های ویژه: افشین حسامی، متین فضلی خانی، دستیاران صحنه: مهدی بدخشان فر، عارف امیدی، عکاس: علی پورستوده، طراح نشان: علیرضا محسنی، طراح پوستر: متین خیبلی، روابط عمومی: فخرالدین باطنی، تولید شده در باشگاه فیلم سوره.

پیرغلامان حسینی در آستانه ماه محرم تکریم می‌شوند

همزمان با برپایی مجالس سیاه‌پوشان در آستانه فرارسیدن ماه محرم، پویش «با شما سیاه‌پوش می‌شویم» برای تکریم پیرغلامان حسینی توسط هیات‌های مذهبی در کشور برگزار می‌شود.

به گزارش ایرنا از بنیاد دعبل خزاعی در آستانه فرارسیدن ماه محرم و همزمان با برپایی مجالس سیاه‌پوشان، پویش «باشما سیاه‌پوش می‌شویم» برای تکریم پیرغلامان حسینی راه‌اندازی شده است.

در این پویش بناست هیات‌های مذهبی سراسر کشور در مجالس سیاه‌پوشان خود، از یک پیرغلام حسینی به خصوص پیرغلامانی که به دلیل ناتوانی جسمی، قادر به حضور در مجالس عزاداری نیستند تکریم کنند.

مجالس سیاه پوشان محرم معمولا از بازه زمانی روز مباهله ۲۴ ذیحجه مصادف با ۱۱ تیر تا نخستین شب ماه محرم (شنبه ۱۶ تیر) در هیات‌های مذهبی برگزار می‌شود که مرسوم است یک پیرغلام، لباس مشکی بر تن عزاداران حسینی می کند.

فرهنگ پوشاک اقوام ایرانی

منظومه نقش‌ها و رنگ‌ها در لباس‌هایی با ردپای خورشید!

استفاده از رنگ‌های شاد و همچنین نقش‌هایی برگرفته از طبیعت و مواهب زمینی از مهم‌ترین وجوه تمایز لباس‌های محلی با لباس‌های امروزی است؛ تفاوتی که در پوشاک اقوام سبب شناخت فرهنگ هر منطقه می‌شود که نمونه بارزی از آن را در پوشش قوم بختیاری می‌بینیم. هرچند این روزها کمتر مردی در حالت عادی «چوقا» به تن می کند و یا کمتر زنی «لَچَک» بر سر می گذارد...

به گزارش ایسنا، محل زندگی مردم ایل بختیاری گستره وسیعی از کشور را از استان‌های خوزستان، چهارمحال و بختیاری، اصفهان و لرستان در بر می گیرد؛ موضوعی که سبب می‌شود پوشش این قوم ایرانی در مناطق زیادی از کشور دیده شود. اصلا همین گستردگی هم تاکنون باعث شده است که پوشاک قوم بختیاری نسبت به سایر اقوام کمترین تغییر را داشته باشد اما با این وجود آنچه که در سال‌های اخیر بیش از گذشته به چشم می‌آید، استفاده کمتر از لباس‌های محلی است تا جایی که پوشیدن این نوع لباس را محدود به مناسبت‌های خاص کرده است. روندی که بیم آن می‌رود در صورتی که آن را جدی نگیریم سبب فراموشی بیشتر لباس‌های محلی هر منطقه فرهنگی کشور شود.

بر همین اساس ایسنا در دومین شماره از پرونده‌ای با عنوان «فرهنگ پوشاک اقوام ایرانی» به معرفی لباس‌های محلی مردم بختیاری پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

پوشاک عرب‌زبانان ایرانی و لباس‌هایی که از یاد می‌روند!

پوشاک زنان بختیاری در طول زمان برخلاف پوشاک مردانه تغییرات کمی کرده است. پوشاک زنان از پارچه‌های رنگارنگ دوخته می‌شود. لباس زنان بختیاری ویژگی‌های مختلفی دارد که رنگ‌های شاد و سرزنده از ویژگی‌های بارز آنها است.

«لَچَک» یکی از بخش‌های مهم پوشاک زنان بختیاری است که به گیسوان خود می‌بندند. لچک از یک نوار مخمل سبز پررنگ یا اناری ۴۰ سانتی‌متر در ۱۲ سانتی‌متر تشکیل شده است و روی سر و گوش‌ها را می‌پوشاند. به آن یک پارچه هم می‌دوزند که تا پشت گردن می‌رسد. درون نوار با این پارچه آستر دوزی شده و لبه بیرونی آن با قطعات کوچکی مثل منجوق، مروارید و ... تزئین شده است. در گوشه‌های آزاد آن هم دو بند دوخته شده است که در زیرچانه به هم گره می‌خورد. طرح‌های لچک برگرفته از طبیعت است مثلا طرح‌های مثلث شکل از کوه‌ها الهام گرفته است.

«می‌نا» که توری سبک با رنگی شاد و به طول ۲ تا ۵ متر و عرض یک متر است نیز با سنجاق به لچک وصل می‌شود. معمولا زنان دسته کلید خودشان را به انتهای گوشه «می‌نا» می‌بندند و یا پول خود را گوشه آن می گذارند.

یک پیراهن بلند به نام «جوو» متداول‌ترین الگوی پوشاک زنان بختیاری است. این پیراهن تا روی زانوها پایین می‌آید و دارای آستین‌های بلند و دوخت راسته است. کالبد این پیراهن از ۶ نوار عمودی (۳ نوار در جلو و ۳ نوار در عقب) تشکیل شده است و در کنار آن، ۲ مثلث شکاف‌دار اضافه می‌شود که باعث گشادی پایین پیراهن می‌شود. جلوی این پیراهن شکافی عمودی وجود دارد که از یقه شروع می‌شود و امکان شیر دادن به کودک را فراهم می کند.

تونبون زنانه نیز دامن بلند و چین‌داری است که روی «جوو» پوشیده می‌شود و خیلی از آن بلندتر است. این تونبون از پارچه‌ای به طول ۸ تا ۱۰ متر دوخته می‌شود. در بالا بند تنبانی از لیفه می گذرد که گشادی آن را در کمر جمع و پارچه را چین‌دار می کند. معمولاً از پارچه‌های پنبه‌ای محکم و نرم برای دوخت آن استفاده می‌شود.

نوع دیگر پوشش زنان از یک پیراهن و یک دامن تشکیل شده است. بالاتنه از ۲ مربع پارچه‌ای درست شده است که روی شانه‌ها و در پهلوها به‌هم دوخته شده‌اند و دامن به زیر این بالاتنه وصل می‌شود که چین‌های زیادی دارد. زنان بختیاری روی این پیراهن جلیقه‌ای می‌پوشند و اگر هوا سرد باشد، روی آن کت راسته و کوتاهی به نام «کلجا» می‌پوشند که جلوی آن باز است و آستین‌های بلند دارد.

زن‌ها برای پاپوش از گیوه و کفش‌های لاستیکی استفاده می کنند اما چون در بیشتر مواقع در زیر سیاه‌چادر درحال انجام کارهای روزمره هستند، بیشتر مواقع پابرهنه بوده و فقط هنگام بیرون رفتن کفش می‌پوشند.

پوشاک مردان بختیاری

مردان بختیاری روی سر کلاهی از نمد می گذارند. اسناد و مدارک مربوط به قبل از جنگ جهانی اول کلاه‌های استوانه‌ای خیلی بلند با انتهای تقریبا صاف را نشان می‌دهد که مستقیم روی سر گذاشته می‌شود و تا روی گوش‌ها پایین می آید.

این روزها دو نوع کلاه وجود دارد که هم از لحاظ رنگ و هم از نظر شکل تفاوت کلی دارد. کلاه خسروی سیاه رنگ که به شکل استوانه‌ای است، انتهای آن اندکی برآمده بوده و از ارتفاع آن به طور محسوس کم شده است. این کلاه مخصوص اشخاص مسن و خوانین است. مردان در هنگام استراحت این کلاه در پس سر و یا برعکس در جلوی آن و به حالت کج تا آخرین حد می گذارند.

کلاه دوم، شب کلاه (شوکله) است که آن را مردان جوان، مجرد و یا افراد با بضاعت مالی کمتر بر سر می گذارند. علت این نام گذاری این است که چوپان‌ها شب با این کلاه سر خود را بر روی تکه سنگی که قرار بود روی آن بخوابند، می گذاشتند. آنها همچنین از کلاه برای جلب توجه کسی که در دوردست ایستاده، برای پرتاب به سمت حیوانی که در محل نامناسب ایستاده، برای حمل آب در فواصل کوتاه یا اندازه‌گیری گندم و جو استفاده می کنند. این کلاه از یک نَمَد ضخیم‌تر تهیه می‌شود و معمولا رنگ قهوه‌ای خیلی روشن یا قهوه‌ای خیلی تیره است. شب‌کلاه نیم کره‌ای است که شکل سر را به خود گرفته.

در گذشته مهم‌ترین قسمت لباس بختیاری، پیراهن گشاد بافته شده از نخ ضخیم پنبه بود که مردها زیر لباس می‌پوشیدند. این پیراهن در حال حاضر جای خود را به یک پیراهن عادی و غیربومی داده است که از بازار می‌خرند. بختیاری‌ها همچنین گاهی «جلزقه» (ژاکت) و به خصوص کت به شکل امروزی می‌پوشند.

آنها روی پیراهن، کت و... بالاپوشی راسته و بدون آستین که قد آن تا سر زانو است و جلوی آن سرتاسر باز است به نام «چوقا» می‌پوشند. این تنها قطعه لباسی است که همگی در ایل می‌پوشند و توسط زنان روی دستگاه‌های افقی بافته می‌شود. «چوقا» از پشم سفید طبیعی و دارای خطوط عمودی مشکی است. به نظر می‌رسد نقش منحصربه‌فرد چوقا یادآور پرتوهای خورشید و شاید متاثر از آیین مهری یا شاکله جان‌پناه‌های هخامنشی در سازه تخت جمشید باشد.

مردان بختیاری همچنین شلوار گشاد و سیاهی به تن می کنند که قسمت کمر آن تنگ و پاچه‌های آن به صورت آزاد و مواج تا روی زمین می‌آید و آن را «تونبون» یا «تنبان» می‌نامند. برای دویدن و کار کردن باید سر پاچه‌های آن را در زیر کمربند بگذارند. می‌توان گفت که تونبون تنها قطعه پوشاک مردانه است که از یک قرن پیش تاکنون تغییری نکرده است زیرا بختیاری‌ها، مجسمه معروف «جنگجوی مادر» را به دلیل همین شلوار یکی از اجداد خود می‌دانستند.

با توجه به نوع دوخت این تنبون، اصطلاح «شلوار تنگ» توسط بختیاری‌ها معمولا برای اشاره به افراد خارج از ایل به کار می‌رود که نشان دهد شخص متفاوت همشهری آنها نیست.

بختیاری‌ها از زیرشلواری هم در زیر تنبون استفاده می کنند که برشی مشابه تنبون دارد اما ابعاد آن کوچک‌تر است و از کرباس با کیفیت پایین دوخته می‌شود. آنها همیشه زیرشلواری را یا زیر شلوار اصلی و یا برای مواقع استراحت می‌پوشند، اما اگر فرد از بضاعت مالی کمتری برخوردار باشد ترجیح می‌دهد شلوار سیاه خود را برای موقعیت رسمی بپوشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد تونبون به دلیل قیمت بالاتری که دارد می‌تواند نشان دهنده طبقه اجتماعی فرد نیز باشد.

کمر شلوار توسط یک کمربند محکم از چرم و یا توسط یک پارچه سفید بسته می‌شود و در آن اشیاء مختلفی که لازم است همراهشان باشد مانند چپق، توتون، چاقو و ... را در آن می گذارند. کفش مردان بختیاری نوعی گیوه است که قسمت کفی آن بسیار ضخیم است و از نوارهای پارچه‌ای تشکیل شده است. از میان این نوارها بند چرمی بلندی به طور افقی عبور کرده و این نوارها را به طور محکم به هم فشرده کرده است. در قسمت جلویی و پاشنه آن نیز قطعات شاخ یا چرم خشک شده می گذارند تا محکم‌تر باشد.

یک درام اجتماعی-رئالیستی دیگر؛

برادران داردن آماده فیلمبرداری فیلم جدید

«مادران جوان» در کَن بعدی

فیلمبرداری «مادران جوان» فیلم جدید ژان پیر و لوک داردن در ماه آگوست (مرداد) شروع می شود.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از ورلد آف ریل، در حالی که انتخاب بازیگران فیلم بعدی برادران داردن با عنوان «مادران جوان» انجام شده، تولید آن به زودی و در ماه آگوست (مرداد) شروع می‌شود و از حالا می‌توان پیش‌بینی کرد که در جشنواره کن ۲۰۲۵ حضور داشته باشد.

داستان این فیلم درباره جسیکا، پرلا، جولی، نایما و آریان است. آنها ساکنان پناهگاهی برای مادران جوان هستند، مادرانی که همگی

در شرایط سختی بزرگ شده‌اند و برای به دست آوردن زندگی بهتر برای خود و فرزندانشان تلاش می کنند.

به احتمال زیاد «مادران جوان» نیز یک درام اجتماعی-رئالیستی دیگر از برادران داردن خواهد بود که در زادگاه آنها بلژیک اتفاق می‌افتد. آنها احتمالاً بازیگران غیرحرفه‌ای را انتخاب کرده‌اند و گفته می‌شود نقش اصلی را یک دختر ۱۹ ساله برعهده دارد.

داردن‌ها برای فیلم‌هایشان ۲ بار برنده نخل طلا شده‌اند؛ یک بار برای «روزتا» در سال ۱۹۹۹ و یک بار برای «بچه» در سال ۲۰۰۵. از دیگر فیلم‌های برجسته آن‌ها می‌توان به «دو روز، یک شب» «بچه‌ای با دوچرخه» و «پسر» اشاره کرد.

جدیدترین فیلم آنها «توری و لوکیتا» نقدهای خوبی گرفت و آنقدر جذاب بود که حتی توجه مارتین اسکورسیزی را به خود جلب کرد. وی نوشت: «توری و لوکیتا» یکی از ویرانگرترین تجارب سینمایی است که پس از مدت‌ها داشته‌ام. من همیشه شیوه فیلم‌سازی ژان پیر و لوک داردن را تحسین کرده‌ام، تسلط آن‌ها با تعهد معنوی و اخلاقی آن‌ها به شخصیت‌هایشان در هم تنیده شده است و این فیلم را به یکی از ترسناک‌ترین و همچنین یکی از بهترین فیلم‌های آنها بدل کرده است.

چگونه کودک کتابخوان تربیت کنیم؟

کتاب «خانه کتاب‌بازها» به قلم معصومه امیرزاده درباره تجربه‌های مادرانه در تربیت فرزند کتابخوان است.

کتاب «خانه کتاب‌بازها» به قلم معصومه امیرزاده درباره تجربه‌های مادرانه در تربیت فرزند کتابخوان است، که چاپ اول آن به تازگی از سوی انتشارات مهرستان با قیمت ۱۵۰ هزار تومان روانه بازار شده است.

این کتاب از دو فصل تشکیل شده است. فصل اول با عنوان کودکی و کتاب با طرح سوالاتی از قیبل آیا هر نوع کتابی را می‌شود برای جنین خواند؟ آیا خودمان هم کتاب بخوانیم؟ آغاز می‌شود.

در فصل دوم با عنوان کتاب و مادری به سوالاتی از قیبل کتاب کودکان ناشنوا، کودکانی که دچار اختلال در گفتار، زبان، خواندن و نوشتن و یا اختلال بینایی هستند باید چگونه باشد؟ پاسخ می‌دهد.

نویسنده کتاب در مقدمه «خانه کتاب‌بازها» نوشته: «ما ایرانی‌ها نسبت عمیقی با قصه داریم. ما مردمانی هستیم که از دیرباز، معنا را با قصه به هم منتقل کرده‌ایم. قصه برای ما ابزار تعلیم، انتقال تجربه، تحذیر و حتی تفریح بوده است. ما مردمان دور کرسی‌نشین و بیان کننده جملات و کلمات قابل انتقال از سینه‌ای به سینه دیگر هستیم. خیال و خرد در جهان ایرانی وسعتی شگرف دارد و همواره، ادبیات به ما کمک کرده است زندگی را غنی کنیم. جایی خواندم: «معنا نان نیست که بشود بین چند نفر تقسیم کرد. معنا در لابه‌لای سطور کتابی که می‌خوانیم زاده می‌شود».

آنچه ما شفاهی و مکتوب به هم منتقل می‌کنیم، سرمایه‌ای است که می‌تواند نوع زیستمان را دگرگون کند. به شدت معتقدم برای اینکه انسان ایرانی بتواند اندیشه تولید کند، باید بخواند و به سفر برود و چه بسا خواندنی که خود سفر است و سفری که خود، مطالعه است. این خواندن از کرسی‌های دانشگاهی یا گروه‌های اندیشه‌ورزی شروع نمی‌شود؛ بلکه از خانه‌ها، نه از کنار گهواره‌ها که حتی از شکم‌های آبستن مادرها آغاز می‌شود.

بهبود شیوه و میزان خواندن بر بهبود تفکر کودکان ما مؤثر است و این دو سخت به هم وابسته‌اند و چه عاملی کودک را به خواندن وادار می‌کند؟ چه انگیزه‌ای باعث می‌شود او کتاب به دست بگیرد؟ میل به کشف معنا! او باید در بستری رشد کند که برای پیدا کردن سؤال‌هایش و برای آرام‌ساختن آشفتگی‌هایش و برای انتخاب سبک زندگی‌اش مطالعه را دست‌کم، به‌عنوان یکی از راه‌های بسیار مهم به رسمیت بشناسد.

او درصورتی به این نقطه می‌رسد که کتاب از ابتدایی‌ترین لحظهٔ حضور جهانی‌اش، مانند همهٔ آنچه با آن هم‌جوار است، آزمودنی باشد.

او جهان را از راه تجربه می‌شناسد».

کتاب «خانه کتاب‌بازها» شامل تجربه نویسنده از کودکی تا مادری حول محور کتاب و پژوهش‌هایی است، که کسب کرده است. به قول امیرزاده، در ابتدای هر بخش خاطره‌ای به زبان داستان می‌خوانید. پس از آن، با تفکیک سن از جنینی تا حوالی نه سالگی تلاش کرده‌ام با بیان پرسش‌ها و دادن پاسخ‌هایی، نیاز شما را به دانستن پاسخ این سوال کلی برطرف کنم: چگونه کودک کتابخوان تربیت کنیم؟